

مهربانی کی سر آمد...

■ رضا مسلمی زاده



این چه رسمی است که هر سال بهار با عزای دل ما می آید؟ هر پیر که می میرد، کتابخانه های آتش می گیرد و من اکنون همراه شعله های سوزش و داغی را تجربه می کنم آنقدر که سخن گفتن را سخت می کند. با خودم عهد کرده بودم در ثای درگذشتگان چیزی ننویسم و دلیلش هم این بود که نمی خواستم بوم بدخیر باشم و به چنین صفتی شهره شوم، و حالا باز هم باید بشکنم در آستانه ای سال نو کام همشهریان را تلخ کنم و از درگذشت مردی بنویسم که عاشق زندگی و زندگان بود و با رفتنش زیبایی جهان چیزی جبران ناشدنی را از دست داده است.

اولین ملاقات بنده با آقای صالحی به شی در دهه های هفتاد بازمی گردد که هوشنگ مرادی کرمانی به مناسبت دهه کیمران شناسی به سیرجان آمده بود. وقتی با تعدادی از دوستان دورش جمع شدیم، ناگهان گل از گلش شکفت و زبان به گلایه گشود که مرا آورده اند اینجا که کارخانه و کارگاه نشانم بدهند و مرا چه به این کارها؟ کاش فرصتی مهیا شود و با جوانان علاقه مند به نوشتن دور هم جمع شویم و حرف بزنیم. همان جا مقدمات

شب علفه یک روز پیش از نوروز بود و دقیقا به شب نوروز و یک شب قبل از سال تحویل اطلاق می شد. در این شب پختن غذای خیراتی برای اموات، یک سنت محسوب می شد و هنوز هم این رسم ادامه دارد. غذای شب علفه بعد از نماز مغرب آماده پرداختن بود. از غذای شب علفه به خانواده های مستحق و نیازمندی دادند.

مردم به نسبت وضعیت اقتصادی شان، برای مردها شان یا پلو خورشت یا چلو گوشت یا رنگینک، یا خرما بریزو یا حلوا خرما درست می کردند یا اینکه فقط خرما خیراتی می کردند هر کسی هرچی داشت نسبت به وضع خانوادگی اش یاد امواتش می کرد. مثلا خورشت مرغ یا خورشت سبزی و خورشت قیقه. تهیه خورشت قیقه مثل الان نبود. نخودها را در آب می خیساندند و می پختند. بعد داخل چلو صافی می ریختند و پوست شان را می گرفتند و همراه با گوشت خورشت قیقه درست می کردند. یا اینکه خورشت کلم درست می کردند. برای خورشت سبزی هم مثل الان سبزی خورشتی به وفور نبود. بعضی ها «به» نگهداری می کردند و از همان «به» خورشت درست می کردند. بعضی نیز خورشت سیب زمینی درست می کردند. سیب زمینی را پوست می گرفتند و ورق های آن ها را سرخ می کردند. گوشت ها را می پختند و روی سیب زمینی های سرخ کرده می ریختند و یک چاشنی مثل انیسون، آوایبامبو به آن اضافه می کردند. در کنار خورشت، برنج هم می پختند و اگر کشمش و زعفران داشتند روی برنج هم می ریختند. مردم می دانستند که این غذا خیراتی است برای اموات و برای مردها، فاتحه می خواندند و برای اموات طلب مغفرت می کردند. خلاصه که شب علفه که می رسید مردم می فهمیدند صدای پای عید دارد می آید.

راوی فرهنگ عامه از چهارشنبه سوری و علفه در سیرجان می گوید با آتش و علف به استقبال سال نو



کارهای زدن خانه دار برای عید نوروز تمام می شد، همه ی وسیله هایی را که برای عید نوروز تدارک دیده بودند، آماده می کردند؛ شیرینی ها، آجیل ها و سفرهی هفت سین شان را می چیدند و آن وقت برای اموات شان غذایی درست می کردند و به مردم می دادند. این غذا را برای شب علفه تدارک می دیدند.

خاموش شد. مردم بر این باور بودند که وقتی آتش که خاموش می شود، از غم و غصه و پریشانی نجات می یابد و هر تراحتی که دارند، تمام می شود.

■ شب علفه

این راوی سیرجانی در مورد آداب و رسوم سیرجانی های قدیم در شب علفه هم گفت: وقتی

آن روغن می مالیدند و سر چهارکوجه می گذاشتند. آنگاه آتش می کردند و از روی آن می پریدند و کاسه ی آبی هم کنار آن می گذاشتند. از روی آتش ها سه دفعه می پریدند و می گفتند سرخی تو از ما، زدی ما از تو و بعد کاسه ی آب را روی آتش ها می ریختند و کاسه راروی آتش ها کب می کردند و می گفتند آتش

■ بتول بلالی

مردم سیرجان هیزم جمع می کردند و مثل مراسم سده سوز خرمینی از آتش درست می کردند و جشن می گرفتند. آن ها دور هم جمع می شدند و می دویدند و از روی آتش می پریدند، شوخی می کردند و همدیگر را دنبال می کردند. آتش بازی می کردند و خوش می گذرانند. این ها را بپوراندخت غلامحسین زاده یکی از راویان سیرجانی می گوید. او در ادامه در مورد سایر رسوم چهارشنبه سوری توضیح می دهد: «چهار تا تخم مرغ توی آتش می گذاشتند و تخم مرغ ها که می ترکید و صدا ترقه آن ها بلند می شد می گفتند چهارشنبه ی دیگر هم اوقات خوبی خواهیم داشت. تخم مرغ ها که صدای ترکیدن می داد، می گفتند خطر را سوختیم و تیر و تفتک دیگر تمام شد. مردم معتقد بودند تا آخر سال دیگر هیچ خطری آن ها را تهدید نمی کند. در روز چهارشنبه سوری هر صاحب خانه ای سبویی آب می کرد و سکه و برگ سبزی و جو یا برنج در آب می ریخت. آنگاه بالای پشت بام می رفت و سبزی و سبزی را بالا به زمین می زد و می شکست چوری که سبوجوی درب خانه به زمین بیفتد و بشکند. داخل سبوی یکی دو تا سکه بود و به زمین می ریخت. اگر زنی این سکه را برمی داشت می گفتند دنیا به کام ما خواهد شد و اگر مردی سکه را برمی داشت، می گفتند دنیا رو به ما نخواهد بود و دنیا به کام ما نمی شود. این بول در اصل صدقه بود.

آش یکی دیگر از رسومات روز چهارشنبه سوری در سیرجان قدیم و در بعد از ظهر همان روز بود. این آتش به آتش چهارشنبه سوری مشهور بود. آن ها به هفت خانه و هر خانه یک کاسه آتش می دادند. کار دیگری که مردم سیرجان انجام می دادند، گذاشتن خشت خام یا یک اجر بر سر کوچه بود. روی

گزارش تصویری | عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

هیابوی شهر در آخرین روزهای سال ۱۴۰۰



میرساند ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ انتشار / الصاق برای یک نوبت منتشر یا الصاق می گردد. چنانچه کسی به تقاضای نامبرده و عملیات ثبتی معترض است، اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد سیرجان تسلیم و از تاریخ تسلیم ظرف مدت ۱ ماه دادخواست اعتراض بر ثبت به مرجع صالح قضایی تسلیم و گواهی مربوطه را به اداره ثبت اسناد سیرجان ارائه نمایند. چنانچه ظرف مدت ۲۰ روز از انتشار آگهی اعتراض نرسد و یا معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض گواهی تنظیم دادخواست به مرجع صالح قضایی را ارائه ننماید سند مالکیت به نام متقاضی صادر و تسلیم می گردد. ۱۵۹۴.م.الف تاریخ انتشار: دوشنبه ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

فصل بهار پیش قدم

روابط عمومی شرکت نگین گهر خاورمیانه

عید نوروز

سالروز میلاد حضرت علی اکبر (ع)، روز جوان و نیمه شعبان مبارک باد

روابط عمومی مجتمع معدنی و صنعتی مس در خشان تخت گنبد

سالروز ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام و روز جوان مبارک باد

شرکت گهرروش
GOHAR RAVESH CO.